

دولت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

برای صنف دوم

Ketabton.com

دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

برای صنف دوم



رهنما برای معلم

- ۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را با خود داشته باشد.
- ۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که در این مورد دقت نماید.
- ۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.
- ۴- معلم صاحب باید با لباس پاک داخل صنف شود.
- ۵- برای معلم لازم است تا در وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.
- ۶- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحیم بگوید.
- ۷- معلم صاحب باید با در نظر داشت مقوله «كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.
- ۸- معلم صاحب برای تدریس خوتر فضای مساعد را در صنف آماده سازد.
- ۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.
- ۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.
- ۱۱- معلم صاحب باید وظیفه - خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و آنها را به اشتباهات و غلطیهای شان متوجه سازد.

- ۱۲- برای معلم صاحب لازم است که حضری شاگردان را بگیرد.
- ۱۳- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.
- ۱۴- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید.
- ۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید.
- ۲۶- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.
- ۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس و بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد.
- ۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفه، خانه گی بدهد و آن را ملاحظه و اصلاح نماید.
- ۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی «سنگ ریزه ها» گل، دانه، جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب - و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارته‌ها، نقشه‌ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد.
- ۲۰- برای معلم صاحب لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده جرأت سؤال نمودن از شاگردان سلب نگردد.
- ۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه‌های خود نقل و در آن حل نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد

نام حق بر زبان هسی انیم	که بجان و دلش هسی خوانیم
ملک و صانع و قدیم و حکیم	خالق و رازق و رؤف و رحیم
هر چه هست از بلند رنی و استی	بمه زویافت صورتی
دار ما را کتاب تا بخوانیم	کرد ما را خطاب تا بنسیم
هر چه او گفت آن کنیم همه	طاعت او بجان کنیم همه
آنچه او گفت غیر از آن کرد	نبست سودی بجز زیان کرد
روز و شب طالب قبولی ام	پیروست رسول وی ایم

لغات	معنی	لغات	معنی
خالق :	پدیدکننده	حمد :	شنا و صفت
رازق :	روزی همده	رؤف :	بسیار مهربان
زیان :	ضرر و خاره	رحیم :	رحم کننده

الله

الله جل جلاله، خالق و پروردگار همه کس و همه چیز است.
خدایوند ما انسانها را از یک پدر و مادر، حضرت آدم،
و بی بی حوا، پیدا کرده است.

الله، به ما دست، پا، چشم، زبان و عقل داده است
تا او را عبادت کنیم و با او کسی را شریک نزنیم.
چیزهایی را که امر کرده است بجا آوریم و از کارهایی که
منع کرده است پرهیز نماییم.

ما مسلمانان برای خوشنودی خدایوند، عبادت می‌کنیم.

حضرت محمد

حضرت محمد در آخرین پیغمبر خدا، و رهبر ما.

حضرت در شهر مکه مکرمه دنیا آمده است.
نام پدر حضرت محمد در عبدالله و نام مادرشان بی بی آمنه بود.

حضرت محمد در به عمر چهل سالگی از طرف خداوند پیغمبر شد.
و دین اسلام را به تمام جهان رسانید.

پیغمبر مردم راه راست و صداقت را نشان داد.
حضرت محمد در به عمر شصت و سه سالگی در شهر مدینه منوره وفات نمودند.
ما حضرت محمد در را از جان خود زیادتر دوست داریم.

حضرت	معنی	لغت	معنی
جهان	کلمه احترام	رهبر	پیشانی
	دینا	وفات	مردن

تعمیدین :
شاگردان سطر اول درس فوق را از روی کتاب بخوانند.

حضرت محمد در در کجا به دنیا آمد؟
حضرت محمد در به عمر چند سالگی پیغمبر شد؟
حضرت محمد در در چند سالگی وفات نمود؟

قرآن شریف

قرآن شریف کتاب خداوندی جلاد است .

قرآن کریم از طرف خداوند به واسطه حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است .

قرآن کریم دارای سی پاره و یک صد و چارده سوره میباشد .
خداوند، در قرآن شریف به ما امر نموده است که آنها را در عبادت کنیم
ما باید قرآن شریف را خوب یاد بگیریم همیشه تلاوت کنیم معنی آنرا
بدانیم و بر آن عمل کنیم .

لغت	معنی	لغت	معنی
نازل	پایان فرستاده	پرستش	بنده گی، عبادت
تلاوت	خواندن قرآن کریم	جبرئیل	یکی از ملائکه بزرگ خداوند
جملات نامکمل زیر را در کتابچه های خود نوشته بعداً آنرا تکمیل نمایند:			
۱- قرآن شریف کتاب	است.		
۲- قرآن کریم بواسطه	نازل شده است.		
۳- قرآن کریم	پاره است.		

اسلام

دین ما اسلام است.

دین اسلام بهترین و کاملترین دین است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله مردم فرمودند:

« من همه خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام خدایم بخندد »

پس این امر کرده است که مردم جهان را به دین اسلام دعوت کنم »

ما شکر مسلمان شیم و از دین اسلام پیروی میکنیم.

لغت
دعوت
معنی
خبرستن و طلب کردن
فرمودند
گفتند

جملات ذیل را سه مرتبه بنویسید.

- ۱- دین ما اسلام است.
- ۲- دین اسلام بهترین و کاملترین دین است.

امام اعظم (رحمته الله علیه)

- ۱- نام اصلی امام اعظم رحمه، نعمان و نام پدرش ثابت است.
- ۲- امام صاحب بابوحنیفه مشهور است.
- ۳- وطن آبابائی امام صاحب افغانستان است.
- ۴- مایه و مذهب امام اعظم رحمه، حنفیست.
- امام اعظم رحمه، در سال ۱۵۰ هجری در کوفه بدنیا آمد.
- ۱۵۰ هجری در شهر بغداد وفات نمود.
- امام اعظم رحمه، یک شخص مجاهد، پیرمیزگار و عالم بزرگ بود.
- امام صاحب علمای زیاد را تربیه نموده اند.

معنی
بزرگ

لغت
اعظم

معنی
پیشوا
پدری

لغت
امام
آبابائی

جواب این سوالها را بنویسید.

- ۱- مادر مذهب کیستیم؟
- ۲- نام امام صاحب چیست؟
- ۳- امام صاحب در کدام سال بدنیا آمد؟
- ۴- امام صاحب در کدام سال وفات نمود؟
- مسلم صاحب سنه هجری را بشمار دادن توضیح میناید.

پیام به شاگردان

شاگردان عزیز! امروز که شما از خوردا ناید، فردا از بزرگان
مردم خود خواهید بود. میدانید که ما هم مثل شما در این صف درس
می خواندیم. در پهلوی درها به تریه خود هم بسیار کوشش می کردیم.
پیش از داخل شدن به صف پاپوش های خود را پاک می کردیم میز
چوکی و فرش صف خود را پاک نگه میداشتیم. همصفا ن خود را دوست
داشتیم و همدگر خود را کمک مینویدیم.



گفته های معلم صاحب را به گوشش می شنیدیم . از کتب
که رخصت می شدیم در راه با کس جنگ و جدال نمی کردیم و راسا
بخانه خود میرفتیم . به کشتزار ، نهال ها و درخت های مردم
ضرر نمی رساندیم . حیوانات را در راه آزار نمیدادیم . در راه به
بزرگان سلام میدادیم . وقتی که داخل خانه خود می شدیم به
خورد و کلان سلام می گفتیم .

تمرین

از شاگردان پرسیده شود که چگونه در صف داخل میشوند ؟

از شاگردان خواسته شود که هر یک در مورد پاک کردن پاوشش ، پاک نگذاشتن
صف ، همکاری با همصنفان ، طرز راه رفتن نظر خود را ارایه نمایند . معلم صاحب گفته های شانرا
بالای تخته نوشته آزار نداشت بالای شاگردان قرائت نموده و در قدم دوم از شاگردان خواسته
شود که نوشته مدوی تمکین را در کتابچه های خود بنویسند .

شاگردان عزیز! در خانه لباس و کتابهای خود را
 در جاباهای معین می گذاشتیم، در وقت ناهان خوردن دست
 های خود را، خود ما می شستیم، در دستر خوان بسیار با ادب
 می نشستیم، برای اینکه خنده نکنیم و غذا را به خوشی خورده باشیم
 یگان فکاهی می گفتیم. اعضای خانواده خود را در کارهای
 خانه کمک میکردیم. نماز را با جماعت ادا کرده قرآن شریف
 را پیش قاری صاحب می خواندیم، در پاک نگه داشتن مسجد
 توجه داشتیم به دروس و کارهای مکتب خود بسیار کوشش
 می کردیم.

صنف های بلند را که به آخر رسانیدیم یک تعداد ماداکتر
 عده انجمن، برخی به مرور زمان وزیر و یک تعداد ما معلم و سر معلم
 شدیم. پس شما اگر امروز به درس ما و کارهای مکتب خود
 کوشش کنید، همین طور یک تعداد شما در آینده داکتر

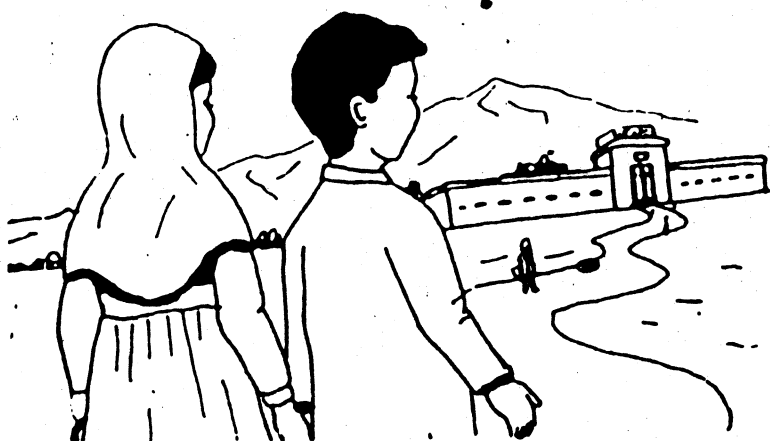
عده انجمنیر، برخی رئیس و وزیر و شاید صدراعظم و رئیس جمهور هم
 شوید. تعدادی از شما، مثل ما معلم خواهند شد. انسان در هر
 کاری که باشد، لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار
 صادق و یک شخص با معلومات و با مهارت باشد.
 تمام کارهای این وطن به شما سپرده میشود پس
 بر شما لازم است که امروز در تعلیم و آموختن کارهای نیکو
 بسیار کوشش کنید تا برای مردم و وطن خود یک خدمتکار
 فعال و صادق شوید

معنی	لغات	معنی	لغات
راستکار	صادق	گذشت زمان	مرد در زمان
		پوره	کامل

همین درس چه آموختید، بیان کنید.

انسان در هر کاری که باشد لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار صادق و با مهارت باشد.
 جعفر فوق را سه مرتبه در کتابچه های تان بنویسید.

مکتب



مکتب جای آموختن علم و ادب است. ما هر روز به
مکتب میرویم و قریب یک ساعت درسی شروع میشود و صنف
های خود داخل میشوند پسینکه معلم صاحب به صنف آمد
خود را با بسیار احترام به رهنماییهایش آماده ساخته به
سخنهای انگیزشی میدییم.

در مکتب قرآن کریم، دینیات، خواندن، نوشتن، حساب
و غیره چیزهای مفید را می آموزیم.

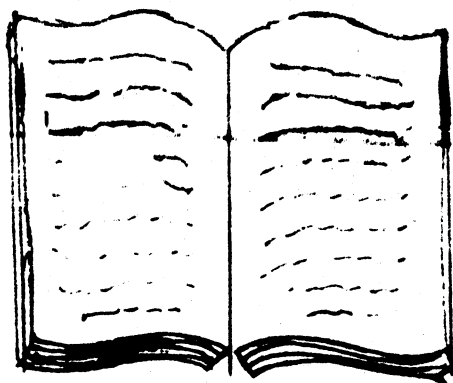
علم

- ترقی و پیشرفت زندگی امروزه را که چشم می بینیم همه از برکت علم است که خداوند جود به انسان بخشیده است .
 - آموختن علم است که انسان را در دنیا و آخرت خوش بخت یابد .
 - کسانی که علم نداهند خود را به خدا و جمیع آشنایان نمی توانند .
 - پیغمبر و حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند :
 طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است .

معنی	لغت	معنی	لغت
در خند او زنده	فرض	پادشاه	آمر و عین
دانش	علم	خوابیدن	طلب
		پیشرفت	ترقی

شاگردان این مجلس را « طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است »
 را حفظ نموده در کتابچه ای خود بنویسید .

کتاب



ما کتاب های خود را بسیار دوست داریم. کتاب های مارا
راست و کامیابی را به ایشان می دهند.
بسیاری درس های کتاب های ما از آیات قرآن شریف
و احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرفته شده اند.
ما باید کتاب های خود را درست نگهداری کنیم.
و درس های آن را خوب یاد بگیریم تا در دنیا و آخرت سر بلند
و با عزت زندگی نماییم.

معلم صاحب معنی این کلمات را به شاگردان تفهیم نموده تکرار نماید.

• آیات احادیث عزت

شاگردان این سوال را جواب گفت یک یک بار بنویسند.

۱- کتاب های ما کدام راه را به ما نشان میدهند؟

۲- کتاب های خود را چگونه نگه داری کنیم؟

کتاب می گوید

من یار مهربانم	دانا و خوش بیانم
گویم سخن فزاون	با آنکه بی زیانم
پندت هم فزاون	من یار سپند دلم
من دوست هنرمندم	باسود و بی زیانم
از من مباش غافل	من یار مهربانم

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
فزاون	بسیار	هنرمند	باهنرمایان
پند	نصیحت	غافل	بی خبر
سود	فایده		
زبان	ضرر		
خوش بیان	خوش صحبت		

معلم صاحب شب و روز برای تعلیم و تربیه مازحمت
می کشد. هر روز پیش از شروع درس به صنف می آید.
و بعد از ادا ای سلام و احوال پرسی ما را نصیحت می کند.
معلم صاحب ما بسیار مهربانی کارهای خانگی ما را دیده به
درس جدید شروع می کند. بعد از آن سوال ما را بجهت
جواب می دهد. به ما کارهای خانگی میدهد.

ما هم معلم صاحب خود را مانند والدین خود دوست داریم و
او را احترام میکنیم همیشه به بدایت نیک شان رفتار می نماییم.

معنی	لغت	معنی	لغت
درس دادن	محبت	دوستی	تعلیم
ریخ دادن	والدین	پدر و مادر	زحمت
نزد تازه	بدایت	زراه غایبی	جدید

معلم صاحب شاگردان را طایفه و دهم تا رابع بر این کرسی میری بر زبان خود را با بگویند تا
در نطق و خطابه تشویق شوند و جرات پیدا کنند.

پدر و مادر

ما به پدر و مادر خود بسیار احترام داریم.
چنانکه به پدر و مادر احترام می‌کنند، خداوند جل جلاله از آنها
خوش میشود.

ما شاگردان گفتمه های نیک پدر و مادر خود گوش می‌دهیم.
پدر و مادر، ما را به کارهای خوب راهنمایی نموده و از کارهای
خراب منع میکنند.

ما هم تازنده باشیم خدمت پدر و مادر خود را می‌کنیم.

لغت	معنی
احترام	عزت و قدر

نیک	خوب
-----	-----

شاگردان کلمات زیر را به ترتیب بنویسند.

ما احترام پدر و مادر و خدمت آنها را بجای آوریم

خانواده

پدر، مادر، برادران و خواهران که در یک خانه زندگی میکنند، یک خانواده گفته میشود.

پدر و مادر بزرگان خانواده میباشند و برای اطفال شان خوراک و پوشاک تهیه می کنند و به آنها مهربانی دارند.
اطفال به بزرگان خود احترام میکنند و به گفته های پدر و مادر
رعایت میکنند. مادر کارهای خانه با همسر کمک می کنیم.
کوشش میکنیم که بزرگان خانواده از ما خوش باشند.

بافت	سنی
بزرگان	کلاهی
شفقت	دلوزی و مهربانی
تهیه	آزاده

سوالات:

- ۱- خانواده عبارت از کدام اشخاص میباشد؟
- ۲- مادر خانواده خود باید چه طور رفتار داشته باشیم؟

خانه ما

روزی پدر اشرف میزم و اشرف ترکاری با خود داشته
هر دو از سرزمین های سرسبز به طرف خانه می رفتند، در راه
چشم اشرف به خانه مورچه ها افتید و گفت: پدر جان! خانه
مورچه ها چقدر پاک است؟ پدر گفت: بلی اشرف جان!
مورچه ها نیز مانند ما خانه خود را دوست داشته و همیشه آنرا پاک
نگاه می کنند. چند قدم پیشتر رفتند، اشرف پرنده کوچکی را
دید که با منتظر خود پری را گرفته به شاخه درخت نشست. اشرف
گفت: پدر جان! این پرنده چرا پر را در نول خود گرفته
و آنرا چه می کند؟ پدرش گفت: برای خود آشیانه می سازد.
هر کس بخانه ضرورت دارد. و قتیکه بخانه خود رسیدند، پدر گفت!
اشرف جان! در خانه رسیدی چه حس می کنی؟
اشرف گفت: خوشی پدر! هر کس در خانه خود خوشی

حس می کند . هر کس خانه خود را خوش دارد ، ما هم خانه خود
را دوست داریم . خانه جای راحت ماست .

بیت

هر کسی بست در زمانه خویش	در پی جمع آب و دانه خویش
دیده باشی پرنده را که چنان	مهرورز در آشیانه خویش
هر چه پیدا کنند مورچگان	میکشندش به سوی لانه خویش
ما هم از ته جان و دل کو شیم	پی بهبود وضع خانه خویش
گاه و بیگاه هر کجا باشیم	میسرانیم این ترانه خویش

دوست داریم همچو جان عزیز
ملک زیبای جاودانه خویش

معنی	لغات	معنی	لغات
منقار	نول	بهبود	بهرتر شدن

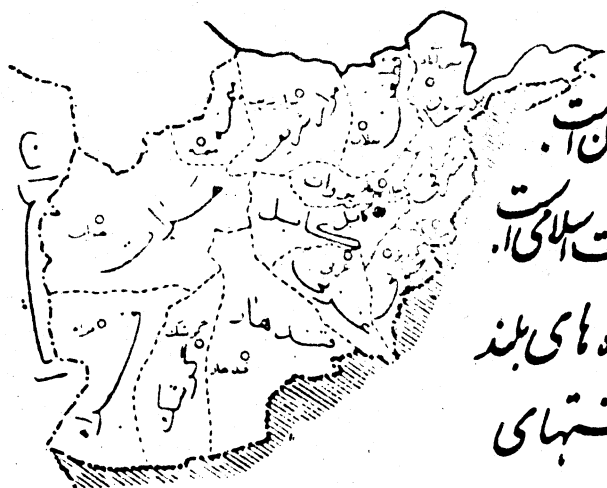
همسایه
مردمیکه در پهلوی خانه ماتمی بازندگی میکنند همسایه گفته میشود.
بر بر سلمان لازم است که حقوق همسایه های خود را بشناسد
و به آنها نیکی کند ، اگر با همسایه های خود رفتار خوب
نمایم خداوند ج، از ما خوش میشود و هم در بین ما محبت و
اتفاق پیدا میشود.

پیغمبر با حضرت محمد چنین فرموده اند.
همسایه که بخداوند ج، و روز آخرت ایمان دارد
همسایه های خود احسان میکند، و هیچ وقت به آنها ضرر نمی زند

لغت	معنی
حقوق	میع حق
احسان	نیکی کردن
محبت	دوستی

مسلم صاحب حقوق همسایه را خوبتر شاگردان بفهماند و نیکی و رویه خوب با
همسایه آنها را تسبیح نماید.

وطن



وطن عزیز ما افغانستان است.
 افغانستان یک مملکت اسلامی است.
 وطن ما افغانستان کوه های بلند
 چشمه های صاف، دشتهای
 سرسبز، تپه های قشنگ و معادن

مادر آب و هوایی وطن عزیز خود تربیه شدیم. حق آزادی
همیچ وقت فراموش نمیکنیم. توانده ایم در وطن عزیز
خود آزاد و زیر برق اسلام زندگی میکنیم و در ترقی و
آبادی آن کوشا میباشیم :

آزاد و آباد باد وطن عزیز ما افغانستان

معنی	لغات
معدن یا کان یا	معدن
زیبا	قشنگ
جمع مملکت	ممالک
از یاد کشیدن	فراموش
دست	عسزیز
کوشش کننده	کوشا
باشد	بار

شاگردان این شعار «آزاد و آباد باد وطن عسزیز افغانستان
دار و نویس کنند»

فصل چهارم



بهار فصل اول سال است.

در این فصل بهار متولد می باشد.

درختان که در زمستان بی برگ و بی ثمر بودند، به قدرت کامل
خداوند بهار شکوفه می کنند و سرسبز میشوند در دشتها و دانه
های کوه ها گلهای رنگارنگ سرسبزند ببلبلان در باغ ها و گلزارها
به آواز خوانی شروع میکنند پرندگان به آشیانه می سازند.
چوپان ها حیوانات را به چرا می برند. دهبانان بکشت و کار

شروع نمایند.

کوچها از یک جا به جای دیگر میروند.

برای بهار برای درختان، نباتات و صحت انسان.

و حیوان فایده میبرند.

بر شاگردان لازم است که از نعمت های بزرگ خداوند

استفاده نمایند و هر صبح بعد از ادای نماز و تلاوت قرآن

در برای صاف درس های خود را حفظ کنند.

معنی	لغت	معنی	لغت
فایده گرفتن	استفاده	میوه	ثمر
توانائی	قدرت	برابر	معتدل
		یار	حفظ

سالم صاحب چهار فصل را بقدر فهم شاگردان بیان کند.

آداب غذا خوردن

دین مقدس اسلام آداب زنده گی را به ما یاد میدهد.

برای زنده گی خوبتر ما را آداب الهی میبکشد. اگر آنها درست عمل کنیم خوش بخت می شویم. دین ما آداب خوردن و نوشیدن را برای ما اینطور بیان کرده است.

۱- پیش از خوردن غذا دستهای خود را با آب پاک بشوئیم.

۲- در شروع خوردن غذا بسم الله الرحمن الرحیم بگوئیم.

۳- لقمه را باید خورد گرفته خوب بجوئیم تا بهتر و خوبتر هضم شوند.

۴- لقمه بی را که از ظرف غذا میگیریم باید از پیش روی خود بگیریم.

۵- پیش از سیر شدن از خوردن غذا بسنجیم.

۶- غذا را باید داغ نخوریم که به وجود نقص میرساند.

۷- باید غذا را در وقت خوردن پف نکنیم.

۸- بعد از خوردن غذا به گفتن الحمد لله شکر خداوند را بجا آوریم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نان	غذا
پاک	مقدس
حل	بهم

معلم صاحب آداب غذا خوردن را برای شاگردان بفرمایند.

لطیفه

یک مریض پیش داکتر رفت و برایش گفت :
شکم من درد میکند.

داکتر پرسید : چی خورده ای ؟ مریض گفت :
نان سوخته خورده ام . داکتر به مریض گفت :
بر و اول چشم های خود را تداوی کن .

لغت	معنی
لطیفه	مطلب خنده آور
تداوی	دولادان

- ۱- مسلم صاحب نتیجه لطیفه را به شاگردان خود تبر و وضع سازد .
- ۲- مسلم صاحب شاگردان را بر یاد گرفتن لطیفه های سودمند تشویق کند

روش یک مسلمان

یک مسلمان نمازهای خود را به جماعت میخواند، قرآن کریم را تلاوت میکند، همیشه امر خداوند را اطاعت میکند، از اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیروی میکند. در اتحاد مسلمانان کوشش میکند. پایشانی بازو شیرین زبانی صحبت میکند، هیچکس را آزار نمیدهد، در امانت خیانت نمیکند. در هر کار خداوند را جل جلاله حاضر میدانند، همیشه در حفاظت دین اسلام و ترقی وطن خود کوشش میکند.

لفظ	معنی	لفظ	معنی
حفاظت	نگهداری	اطاعت	پیروی
خیانت	ناراستی	صحبت	با هم گپ زدن
تلاوت	خواندن قرآن کریم		

معلم صاحب جلد زیر را بالای شاگردان مشق و تمرین نماید.
یک مسلمان همیشه در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

کارهای روزمره

سلیم گفت، من یک برادر و یک خواهر دارم. ما همه صبح وقت از خواب بیدار می شویم. بعد از وضو من با پدر و برادر خود به مسجد رفته نماز جماعت را ادا می کنم. مادر و خواهرم در خانه نماز می خوانند. بعد یک جاذرا نگویم را تلاوت می نمایم. پس از آن برادرم و پدرم به کارهای زمین داری بطرف زمین ما می روند، خواهرم همراهی مادرم کارهای خانه را انجام می دهند، من به مکتب میروم، مادرم نان پخته میکند، خواهرم ظرفها را می شوید. من بعد از حضرت شدن مکتب آب می آورم و به آنها کمک می کنم. کسانی که در یک خانه زندگی میکنند باید با یکدیگر کمک و همکاری نمایند.

تلاوت	معنی	لغت	معنی
سمکاری	خواندن و آنگویم	ظرف	سامان بخت و پزندان خوری
معلم صاحب شاگردان را توصیه نمایند که در کارهای خانه سهم بگیرند.	کمک کردن		

آزادی

زلمی یک پرنده را در یک قفس زیبا انداخته بود. دانه
مای خوب و آب صاف برایش میداد. پرنده دایم ناله
وزاری میکرد. زلمی به ناله وزاری پرنده خوشحالی می نمود.
یک روز مای زلمی به خانه شان مهمان بود. زلمی قفس
را پیش مای خود آورد و بسیار خوشی گفت: «ماما جان حسین»
مرغک من چه خوب سخنوازد. مامایش گفت:
فرزندم! این خواندن نیست، این ناله جدائی از دوستان
است، این پرنده میخواهد که بادیگر پرندگان به باغها برود
و آزاد زندگی کند. زلمی بعد از شنیدن گفته مای مای
خود پرنده را آزاد کرد.

تاگردان جملات زیر را در کتابچه خود نوشته و تکمیل نمایند.
این پرنده میخواهد که بادیگر پرندگان و آزاد زندگی کند.
زلمی بعد از شنیدن گفته مای مای خود را کرد.

تربیه حیوانات

پدر اکرام رفته گو سفندان خود را تربیه و از آنها با خبری
مینماید. هر وقت گو سفندان خود را حلف و آب میدهد.
رسم را هر روز به چراگاه میرود.

یک روز اکرام به پدر خود گفت: پدر جان! چرا گو سفندان
مانست به گو سفندان زلمی چاق هستند؟ پدرش گفت:
پسر من! بمن راجع به تربیه حیوانات در مکتب درس خوانده ام.
تربیه حیوانات و مال داری را خوب میدانم و گو سفندان خود را
خوب تربیه می کنم. زلمی نمیداند که چطور تربیه میشود.
از این سبب گو سفندان او لاغر مانده اند.

ما از حیوانات فایده زیاد میگیریم از پشم آنها قالین،
گلیم و از پوست آنها بوت، چپلی و غیره می سازیم از شیر

آرڻا ماست، قروت، روغن، قیماق و پنیر تهیه میکنیم.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
-------------	------------

سبزه	صف
------	----

آماده	تهیه
-------	------

پرسش های ذیل را جواب بنویسید.

۱- از پشم حیوانات چی چیز را ساخته میشود؟

۲- از شیر حیوانات چی چیز را تهیه میشود.

اخلاق نیک

- ۱- اخلاق نیک عبارت از امانت داری، ارشکاری، احترام به بزرگان، شفقت بر کودکان، کمک به ناداران، وفا به عهد، نرم گویی و غیره کارهای خوب میباشد.
- ۲- پیغمبر خداوند این جلاله حضرت محمد صلی الله علیه و سلم، دارای اخلاق بسیار عالی بودند. به اخلاق نیک خود همه مردم را دوست خود ساخته بودند.
- ۳- اخلاق نیک قدر و عزت انسان را زیاد میسازد.
ای برادر اگر خسته داری تمام
نرم و شیرین گوی با مردم کلام

معنی
مهربانی
سخن

لغت
شفقت
کلام

معنی
بلند
قول دادن

لغت
عالی
عهد

شاگردان این جملات نامکمل را مکمل نمایند.
۱- پیغمبر خدا، حضرت محمد به دارای بودند.
۲- اخلاق خوب می سازد.
شاگردان بیت بالا را دو مرتبه بنویسند.

شاگرد راستکار

نذیر یک شاگرد کارکن و کوششی است. در دروسهای خود بسیار کوشش می کند. دروسهای خود را به حضور پدر و مادر خود به آواز بلند می خواند و از رهنمایی های معلمان خود در خانه قصه می کند، فامیلش قصه او را می شنوند و خوش میشوند. نذیر که حالا به صف دوم درس می خواند روزی به مادر خود گفت:

مادر جان! معلم ما دیروز گفت، شما اطفال و شاگردان باید دارای صفات ذیل باشید:

- هرگاه به پencil، قلم یا کتابچه ضرورت پیدا می کنید آزار به والدین خود نگویید تا تهیه نمایند.

- چیزی را که می خرید قیمت اصلی آزار نگویید.

- بدون اجازه از گرفتن مال دیگران خودداری کنید.

- اگر به اجازه پدر و مادر خود به جایی میروید آدرس کامل آنجا را به فامیل خود بدهید .

- هرگاه در وقت خرید چیزی، دکاندار سهواً به شما پول اضافی بدهد آنرا بزودی به صاحبش واپس بدهید .

- اگر کسی از شما آزرده شود فوراً از وی معذرت بخواهید .

- مال امانت را بعد از تشکری ، سلامت به صاحبش بسپارید .

- اگر در محلی که حادثه رخ داده باشد و شما در آن محل حاضر بوده

باشید در صورت ضرورت ، حقایق واقعه را بیان کنید .

- در هر کار صادق باشید .

معنی	لغت	معنی	لغت
عذر خواهی	معذرت	صفه	صفات
واقعیت	حقایق	پدر و مادر	والدین
واقعه	حادثه	نشانی	آدرس

بر شاگرد به نوبت صفات شاگرد راستکار را بیان کند .
 از شاگردان خواسته شود که بعد از ماکوشش میکنیم که راستکار باشیم ، راجح مرتبه در کتابچه خود بنویسند .

امانت داری

امانت داری یکی از صفات خوب اسلامی است.
حضرت محمد صلی الله علیه و سلم، در امانت داری خود شهور بودند.
همه مردم حضرت محمد ص، را به نام امین یاد میکنند.
پیغمبر صلی الله علیه و سلم، فرموده اند: کسانی که امانت را خیانت
میکند ایمان کامل ندارند. شخص امانت دار هر کس اعتماد
دارد. او همه جا قدر و احترام میشود.
هر نفس مسلمان باید امانت دار باشد تا در دنیا و آخرت
کامیاب گردد. درود و سلام باد بر حضرت محمد ص پیغمبر
این ور استکار

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
صفت ها	صفات	امانت دار	امین
باور کردن	اعتماد	پوره	کامل

جملات ذیل را مشق و تمرین نمایید.

۱. حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در امانت داری مشهور بودند.
۲. همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را بنام امین یاد میکردند.
۳. کسانی که امانت را خیانت می کنند ایمان کامل ندارند.
۴. هر مسلمان باید امانت دار باشد.

ساعت یافت شده

یک روز اسد با دوست خود ققاج برای توپ بازی رفته بود . در میدان مکتب توپ بازی کردند . بعد از توپ بازی به طرف خانه های خود روان شدند .

اسد در نزدیک خانه در کنار جوی دید که یک ساعت افتاده است . از یافتن ساعت خوش شد و آنرا برداشت . درین وقت به یادش آمد که مادرش گفته بود : « اگر چیزی یافتی باید صاحبش را پیدا کنی و به او بدهی » . اسد اینطرف و آنطرف را دید اما کسی نبود ، اسد خفته شد که صاحب آنرا نیافت . ساعت را با خود به خانه برده به کاکای خود نشان داد . کاکایش گفت : « اسد جان ! ما هرگاه چیزی را می یابیم باید صاحب آنرا پیدا کرده برایش بپاریم ، حالا بیا برویم . »

از خانه بیرون شدند ، چند قدم دور تر یک نفر را دیدند

که در کنار جوی خیز را می پاید . اسد و کاکایش نزد او فرستند

کاکای اسد گفت : چه را می پالید ؟

او گفت : چند لحظه پیشتر در همین جوی وضو کرده جانب

مسجد رفتم بعد از ادای نماز به یادم آمد که ساعت در کنار جوی فراموش

شده . من آز را می پالم .

کاکای اسد گفت : چند دقیقه پیش اسد جان ازین راه میگذشت

که در کنار جوی یک قاب ساعت را دیده آزا برداشته بخانه آورد

و بمن داد تا صاحبش را پیدا کنم ، حالا اگر ساعت از شما باشد

نشانی آزا بگویید .

صاحب ساعت گفت : رنگ ساعت من سفید و

بند آن چرم سیاه است .

کاکای اسد دید که نشانی های او درست است به صاحبش

گفت ساعت خود را بگیرید . صاحب ساعت از صداقت

وامانت داری اسد و کاکایش بسیار مسرور شده تشکر کرد.
 کاکای اسد از راستکاری اسد خوش شده برایش
 دعای خیر کرد.

لغات	معنی	لغات	معنی
کنار	پهلوی	بنگام	وقت
ادا	بجا آوردن	مسرور	خوش
از شاگردان پرسان شود که اگر مثل این قصه، کدام قصه دیگر یاد داشته باشند، بیان کنند.			
از شاگردان پرسیده شود که اگر شما چیزی را یافت کنید آنرا چه می کنید؟			
شاگردان تشویق شوند تا قصه فوق الذکر را به زبان خود ادا کنند.			
شاگردان این جمله را هرگاه با چیزی را پیدا کنیم صاحب آنرا پیدا کرده به او تسلیم نمایم، را به ترتیب در کتابچه خود بنویسند.			

وفا به عہد

۱۔ خداوند میں ہوا، در قسمت وفا به عہد امر نموده اند: «به عہد وفا کنید پس ہر کس نظر بہ امر خداوند، بہ عہد خود وفا کند۔ یکروز پدراسد بہ اسد گفت: پسرم! امروز من و تو یکجا بہ شہر میرویم۔ اسد گفت: پدر جان! من ہمراہی شریف وعدہ کردہ ام تا بدیدن مامائش کہ مرخص است برویم۔ اگر ہمراہی شما بروم با شریف وعدہ خلاف می شوم۔ پدرش گفت: آفرین پسرم، کہ بہ عہد خود وفا میکنی۔

۲۔ حضرت محمد میں فرمودہ اند: یکی از علامت منقبت وعدہ خلافی می باشد۔ کسانیکہ وعدہ خلافی میکنند، صاحب ایمان کامل نیستند۔ میچکس شخص وعدہ خلاف کمک میکنند و او را دوست ندارد۔

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
قول داران	عہد	دوروی	سناقت
		پورہ	کامل

معلم صاحب در مورد وفا بہ عہد بزبان سادہ بہ شاگردان
معلومات بدہد.

جملات ذیل را تکمیل نمایند.

۱۔ خداوندیج، در قسمت امر نموده اند.

۲۔ سچکس اشخاص وعد خلاف را نداد.

عادت های خوب

اسد صبح وقت از خواب بیدار میشود ، وضو کرده نماز میخواند
بعد از ادا ای نماز و تلاوت قرآن کریم درس های
خود را تکرار میکند ، پس از آن چای می نوشد و طرف
مکتب روان میشود .

اسد بجهت با احتیاط است همیشه در سرک های عریض
از پیاده روی مانع نگذرد . اسد دارای خلاق
نیک بوده راستگو و راستکار است همه وارد دست
دارند .

لغت	معنی	لغت	معنی
تلاوت	خواندن قرآن کریم	اخلاق	خوی
بجست	دوستی		
سوالات :			

۱- شما وقتی که از خواب بیدار می شوید چای می کنید ؟

۲- وقتی که طرف مکتب روان می شوید از سرک ، چگونه می گذرید ؟

مسواک کردن دندانها

دندان یک نعمت بزرگ خداوند است. مابادندانها غذا را می جویم و نرم میسازیم. هر قدر که غذا با دندانها خوب جویده شود به همان اندازه لذت غذا در دهن زیاد شده و مضمم آن در معده آسان میشود.

وقتی که غذا را بلع می کنیم پارچه های خوردن غذا در دندانهای ماباقی میماند. اگر این پارچه های غذا با مسواک و یا برس دور نشود پوسیده شده باعث تعفن دهن میگردد و میکروب ها در آن جا قایم میگردند و توسط آب و غذا داخل بدن مانده ما را مریض میسازد برخی از این میکروب ها به خوردن دندان ها شروع کرده دندانها را سیاه و فرسوده (کرمی) میسازند بلاخره سبب درد دندان میشوند. برای اینکه دندانهای ما صحت و سالم باشد باید دندان های خود را در وقت وضو بعد

از صرف غذا مسواک یا برس کنیم . در مسواک کردن
 دندان ، فایده زیاد موجود است . دندانهای مایک و صفا
 معلوم میشوند . دهن ما بوی خوش میدهد ، دندانهای ما
 درد نمی کند ، چنانچه درین مورد حضرت محمدؐ فرموده اند :
 « اگر بالای اُمت من سختی نمی آمد امر می کردم که در هر نماز
 وضو کنند و در هر وضو دندانهای خود را مسواک نمایند . »

معنی	لغات	معنی	لغات
درست	سالم	خوردن	بلع
پیرد	اُمت	بوی بد	تعفن

دندان ما چه وظیفه دارند ؟

فایده برس و مسواک را بیان کنید . معلم صاحب کفّه های شاگردان را بر روی
 تخته نوشته بعد از آنرا توسط شاگردان به آواز بلند قرائت کرده و بعد از شاگردان
 میخواهد که نوشته زوی تخته را پس از اصلاحات لازم در کتابچه های خویش بنویسند .

راستی

عابد از نسیم یک قلم را به امانت گرفت، نسیم فراموش
کرده بود که قلم خود را به عابد داده است. روزی
نسیم در صنف گفت: قلم من گم شده است. عابد فوراً
بلند شده گفت: قلمت گم نشده نزد من می باشد.
همه شاگردان به عابد آفرین گفتند و از راستی و
راستگویی عابد خوش شدند. عابد هم بسیار خوش
شد و با خود عهد کرد که همیشه راست بگوید.
کسی که راستی می کند خداوند به او از او راضی و بنده گانش
او را دوست می دارند.

آدم راستکار در هر جا به نام نیک یاد میشود.

نیک لغت
خوب معنی

جملات ذیل را در کتابچه های خود یک یک بار بنویسید.

۱- کسیکه راستی میکند خداوند بزرگوار، و بندگانش او را دوست میدارند.

۲- آدم راستکار در سر جایه نام نیک یاد میشود.

آداب سخن گفتن

بر ما لازم است که در سخن گفتن آداب زیر را در نظر داشته

- ۱- همیشه در سخن گفتن از نرمی و ملائمت کار بگیریم.
- ۲- در سخن گفتن نه آنقدر آواز خود را بلند کنیم که سبب ناآرامی شنونده باشد و نه آنقدر آهسته سخن بزنیم که شنونده نماند.
- ۳- در مجلسی که بزرگان و عالمان سخن میزنند، باید بسیار با ادب، آرا کوشش بگیریم.
- ۴- اگر خود ماکدام وقت سخن میگوییم، اول خوب فکر کنیم و بعد آرا بگوییم.
- ۵- در مجلسی که نفرزاید باشد، نوبت سخن گفتن را باید - مراعات کنیم.
- کوشش کنیم که سخنان ما خوب و فایده مند باشد.

۷ - اگر کسی به سخن گفتن مشغول باشد بگذاریم که سخن او تمام
شود بعد مابه نوبت خود سخن بگوییم .
دین اسلام مسلمانان را از سخنان بیوده منع نموده
است باید ما مسلمانان از سخنان بیجا و بی فایده پرهیز
نمائیم .

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نری	ملاکت
در نظر گرفتن	مراعات
بکلمات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید .	
منع	اداب
مجلس	

رحم بر حیوانات

رحم نمودن بر حیوانات بی ضرر یک امر دینی می باشد.
 ما باید بر حیوانات رحم داشته باشیم، حیوانات هم دارای
 جسم و جان هستند، به خوردن و نوشیدن ضرورت
 دارند. گرسنگی و تشنگی را حس میکنند. حیواناتی را که
 تربیه میکنیم باید آنها را به خوبی نگهداری نماییم.
 حیواناتی را که باری برند، باید از توان شان بیشتر
 بار نگیریم، و آنها را الت و کوب نه نماییم. مورچه ها،
 پرندگان و دیگر حشرات و حیوانات بی ضرر را نیز
 آزار ندهیم.

لغت
 حس
 توان
 معنی
 دریافت کردن
 طاقت
 معلم صاحب به شاگردان تاکید نماید که بالای حیوانات ظلم نکنند.

بره گم شده

یکروز ناز و لطیفه از مکتب به سوی خانه می آمدند، نزدیک خانه چشم آن تا به یک بره افتاد. لطیفه گفت: ناز و این بره را بین چطور بیع می کند فکر می کنم گم شده است. ناز و گفت: بلی من هم فکر می کنم گم شده است، بین چطور به طرف هر کس می رود و بیع می کند اما مردم سرگرم کارهای خود هستند و بیع آزار نمی شنوند.

لطیفه گفت: بلی به طرف نانوا، سبزی فروش، میوه فروش و دیگر دکانداران بیع کرد، بین حالا به طرف شاگردهای مکتب هم بیع می کند مگر هیچ کسی به آوازش گوش نمیدهد و هر کس سرگرم کار خود است.

لطیفه و ناز و دل سوزی کرده به بره گم نزدیک شدند تا به آن محبت ورزند. مگر بره از نزدشان گریخت.

لطیف دوباره به بره نزدیک شده گفت: ای بره گلک
زیبا تو از کجا آمدی؟ لطیف بر پشت بره دست کشید. پس از
آن لطیف و نازو راه خود را پیش گرفتند اما می دیدند که بره از پشت
آنها ردان است، نمی دانستند که با بره چه کنند. چند دقیقه بعد
لطیف و نازو بخانه های شان نزدیک شدند، نازو به خانه خود رفت
لطیف بره را دید که باز هم بجمع می کند.

لطیف با خود گفت: این بره گلک گم شده است، شاید گرسنه
هم باشد. لطیف بره را با خود به خانه برد. مادر لطیف بره را دید و پرسید
کرد: این بره را از کجا آورده ای؟ صاحب این بره کی خواهد بود؟
لطیف گفت: من هم نمی دانم.

مادر لطیف گفت: بره گلک گرسنه است برو برایش کمی
رشته یار تا سیر شود.

لطیف رشته را آورده برای بره انداخت و بعد برایش آب

دار .

درین وقت مادر لطیفه گفت : لطیف جان ! برو از همسایه
پرس . شاید این بره از کدام همسایه باشد .

لطیفه بخانه همسایه ها رفت و از آنها پرسید : بره شما گم
نشته است ؟

همسایه ها جواب دادند : فی ، بره ما گم نشده است .
لطیفه به خانه آمد و درین فکر بود که صاحب بره را چگونه پیدا کند .
درین وقت دروازه حویلی زده شد ، لطیفه رفت تا ببیند
که کیست . و تکیه دروازه را باز کرد ، یک بچه کوچی را دید .

لطیفه گفت : برادر جان ، چه می گویی ؟
بچه کوچی گفت : یک بره ما گم شده ، همسایه تان گفت
که در خانه شماست .

لطیفه گفت : برادر جان همین جا باش ، من یک

دقیقه بعد می آیم .

لطیفه بخانه رفت و به مادر خود گفت : مادر جان ، یک

بچه کوچی آمده و می گوید که بره اش کم شده است .

مادرش گفت : برو بچه کوچی را بیاور تا بره را ببینند .

و تکیه بچه کوچی به خانه آمد ، بره بطرف او دوید و بجای کرد

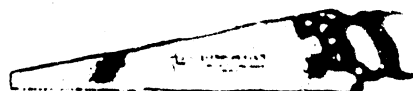
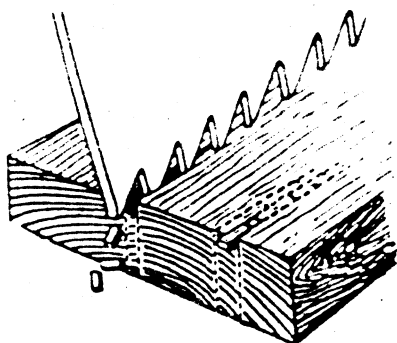
لطیفه و مادرش دانستند که بره از بچه کوچی است . بچه

کوچی از بمکاری آنها خوش شده ، بره را با خود برد .

از شاگردان خوابه شود که قهر را بزبان خود بیان کنند .

از شاگردان پرسیده شود که ازین قهر چه یاد گرفته اند .

نجاری



نجاری کسب خوب است .
حضرت نوح علیه السلام با استفاده از کسب نجاری کشتی
ساخت و پیروان خود را از خطر غرق شدن در آب
نجات داد .

نجار کارهای خود را به واسطه تیشه ، اره ، رنده ، و غیره
سامان انجام میدهد و به واسطه این سامان میز ، چوکی ،

در وازه تخته شش خط گش و غیره سازد.
در مکتب ما حرفه بخاری مسلم است مادر ساعت بخاری
ساختن نیز، چوکی، و وازه و غنیه در ایام و سگیرم

لغات معنی

انجام آخر

مرد کسب پیشه

- ۱- اسباب بخاری کدام چیزها اند؟
- ۲- بخار کدام چیزها را میسازد؟
- ۳- فوج عیبه اسلام با استفاده از کسب بخاری چه ساخت؟

معماری



معماری نیک کسب خوب است حضرت ابراهیم علیه السلام، با
فرزند خود حضرت اسماعیل علیه السلام، به امر خداوند حین جدار، کعبه
شریفه را آباد نمودند. معماران برای ماسجد، مکتب، مدرسه
خانه، دکان و غیره تعمیرات را می سازند.
تمام آبادی را که به طسه اف خود می بینیم، از برکت زحمت
معماران است. معمار خوب دارای اخلاق نیک
بوده در کسب و کار خود صادق می باشد.

از معماران راستکار همه مردم خوش میباشند.
معماران لایق روز به روز کار خود را بهتری سازند.
هر که کارش از برای حق بود
کار او پیوسته بار و نفع بود

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
نام خداوند	حق	نگارگری	معماری
زیبایی	رونق	نگار	معمار
		راستکار	صادق

سوالات:

- ۱- حضرت ابراهیم (ع)، با پدر خود که ام جای را آباد نمودند؟
- ۲- معماران برای مردم چه خدمت میکنند؟

تجارت

تجارت یک کسب خوب و حلال است پیغمبر خدا
حضرت محمد ص هم تجارت کرده اند. تاجران باید در خرید
و فروش خود دروغ نگویند از انصاف کار بگیرند.
اگر تاجران به دروغ گویی قسم خوری در مال خود فایده
نمایند، برای شان حرام است.
اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند به جلد
در مال شان برکت می اندازد.

معنی	لغت	معنی	لغت
سوداگران	تاجران	سوداگری	تجارت
این جملات را تمییز نموده هر کدام را یکبار تحریر نمایید.			

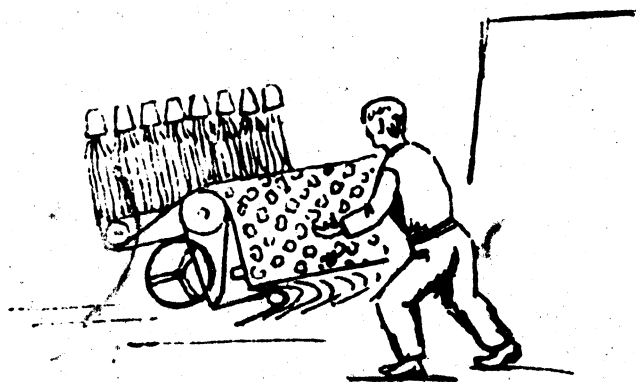
۱- پیغمبر خدا ص هم جلد حضرت محمد ص را بیع و سلم هم میکردند.

۲- تاجران در خرید و فروش خود نگویند.

۳- اگر تاجران به دروغ گویی قسم خوری در مال خود فایده نمایند است.

۴- اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند به جلد در مال شان می اندازد.

بافنده گی



بافنده گی یک کسب خوب است .
در وطن عزیز ما افغانستان پنبه ، ابریشم و پشم پید
میشود .

بافنده ما از پنبه تکه های نخ و ابریشم پارچه های شنی
میسازند . مردم از لباس های شنی در وقت زمستان
استفاده میکنند از تکه های نخ در وقت بهار

کار می‌کنند.

با فنده ها از برشیم گلیم، قالین و غیره چیزها می‌بافند.
قالین و گلیم سمت شمال و غرب وطن عزیز ما
بسیار شهرت دارد.

از ابریشم تکه های نازک و قیمتی مانند لنگی و دستمال
ساخته میشود. پنبه دز زمین کشت میشود، ما پشم از حیوانات
بدست می‌آید ابریشم از کرم پنبه بدست می‌آید.
با فندگی صنعت قدیم افغانستان بوده و در بسیار
جایارواج دارد.

معنی

به واسطه

با فندگی

همز پیشه

لغت

توسط

نساجی

صنعت

حکایت



ناصر از بازار آهنگری میگذشت. تابستان بود.
آهنگری را دید که در هوای بسیار گرم در کنار کوره آهنگری
مشغول کار بوده، عرق از سر و رویش میچکد، نا صریح
گفت: چرا درین هوای گرم کار میکنی و خود را تکلیف
میدهی؟ آهنگر گفت: برادرم! اگر من درین حال
بمیرم، در حال اطاعت خداوند، و عبادت او از
دنیا میروم.

انسان باید زحمت بکشد تا محتاج نشود و بتواند روزی
حلال بدست آورد.

پس این کار و کوشش در حقیقت اطاعت از امر
خداوند است نه بال دوستی و دنیا دوستی.

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
-------------	------------

گوشه	کنار
------	------

فرمان برداری	اطاعت
--------------	-------

صاحب آبرو و عزت	آبرو مند
-----------------	----------

شاگردان خدا مد طلب عنوان فوق را به زبان خود طور قصه
بیان کنند.

بزک چینی

در یکی از روزهای زمستان که برف میبارید . نازد
اسد و رازق گفت : امروز بیرون نمی رویم که ترمی شویم . فزا
که آفتاب شدیک آدمک برنی قشک می سازیم . حالایاید که
برای تان قه بزک چینی را بگویم .
اسد گفت : بسیار خوب ، امروز بیرون نمی رویم و
قه بزک چینی را می شنویم .



نازوب گفتن قصه شروع کرد.

بودن بود یک بزک چینی بود. این بزک چینی سه چوپه داشت.

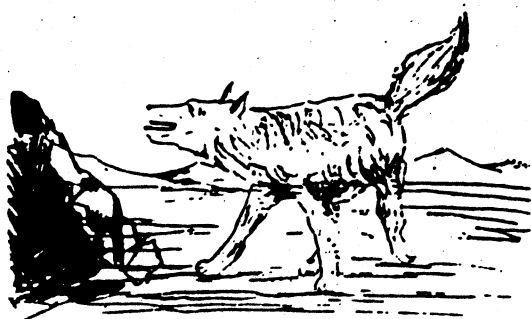
نام چوپه هایش انگک. بنگک و کلوله سنگک بود. هر هج که بزک چینی برای خریدن می رفت به چوپه هایش می گفت چوپه های قشکم، من میروم. تا آمدن من دروازه را برای هیچ کس باز نکنید.

چوپه های گفتند بسیار خوب.

هر شام وقتی که بزک چینی از چراگاه پس می آمد دروازه را می زد. چوپه هایش می گفتند، کیست که دروازه را میزند؟ بزک چینی می گفت: چوپه های قشکم من انگک و بنگک و کلوله سنگک، دروازه را برای مادر تان باز کنید. چوپه هایش پس از شنیدن صدای مادر، با خوشی بطرف دروازه می دویدند و آنرا باز می کردند.

یک روز صبح، یک گرگ در نزدیکی خانه بزن چینی
می گشت. وقتی که بزن چینی از خانه بیرون رفت، گرگ
آمد و دروازه را زد.

چوپه های بزن چینی گفتند، کیست که دروازه را میزند؟
گرگ صدای خود را مثل صدای بزن چینی ساخت و
گفت: چوپه های قشنگ من، انگک، بنگک و کلور بنگک



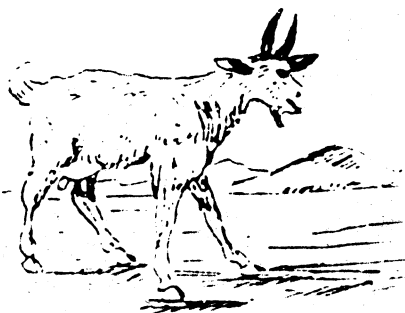
دروازه را برای مادر تان باز کنید .
چوپه های بزرگ چینی که آواز مادر خود را بی وقت
شنیدند ، حیران ماندند .
گرگ باز هم صدا کرد . چوپه ها فکر کردند که مادر شان است
دروازه را باز کردند .
گرگ به داخل خانه خیز زد . انگک و بنگک را
راقت کرد . کلوله سنگ در پشت یک سنگ پت شد .



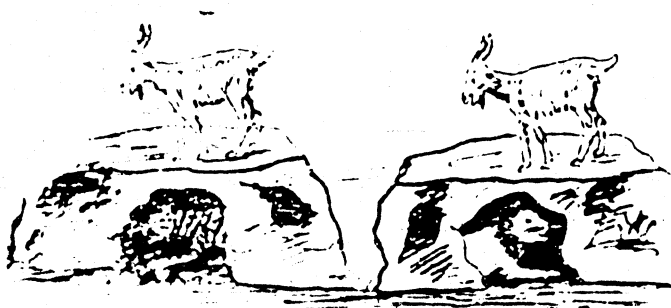
دیگر که بزک چینی از چراگاه آمد دروازه رازد، مگر
صدای چوپه مایش را نشنید. باز دروازه رازد.
کلوله سنگ که بسیار ترسیده بود دپت شده بود نزدیک
دروازه آمد و پرسیان کرد، کیست که دروازه را می زند؟
بزک چینی جواب داد، چوپه های قشنگ من انگک
بنگک و کلوله سنگ دروازه را برای مادر تان باز کنید.



کلوله سنگ با ترس و لرز دروازه را باز کرد. و تکیه
بزرگ چینی بداخل خانه آمد انگک و سنگ را اندید. از
کلوله سنگ پرسان کرد که انگک و سنگ چه شد؟ کلوله سنگ جواب داد
بعد از رفتن شما، چیزی آمد و آنها را قرت کرد.
بزرگ چینی بسیار پریشان شد. زود از خانه برآمد مگر
حیران بود که چه کند و کجا برود. چند دقیقه بعد با قهر و پریشانی



به طرف خانه روباه رفت و سر بام خانه روباه خیز زد .
روباه از درون خانه صدا کرد :
کیست سر بامت لرزانت من .
خاک می ریزاند در اشک مهبانک من ،
آشک مهبانک مرا شور کردی .
چشم مهبانک مرا کور کردی .
بزک چینی جواب داد .



من استم بزرگ چینی ،
دو شاخ دارم بالای بینی ،
کی خورده انگشت من ؟
کی خورده بنگ من ؟
کی می آید به جنگ من ؟
رو باه جواب داد .
نخورده ام انگشت تو ،
نخورده ام بنگ تو ،
نمیایم به جنگ تو ،
بعد از آن بزرگ چینی به خانه های شیر و پلنگ رفت و
پرسان کرد . آنها هم جواب دادند که چوچه هایش را نخورده اند .
پس از آن بزرگ چینی بطرف خانه گرگ رفت و سر
بامش خیز زد .

گرگ از داخل خانہ صدا کرد .
کیست سر بامک لرزائک من ؟
خاک می ریزاند در آشک مہانک من ،
آشک مہانک مرا شور کردی ،
چشم مہانک مرا کور کردی ،
بزک چینی جواب داد .



من استم بزک چینی ،
دو شاخ دارم بالای بینی ،
کی خورده انگک من ،
کی خورده بنگک من ،
کی میاید بہ جنگک من ،
گرگ گفت :

من خورده ام انگک تو ،

من خورده ام بنگت تو .

من میام به جنگت تو .

فردا صبح بزک چینی با یک کوزه شیر پیش آهنگر رفت
و گفت : این شیر را بگیر و شاخ های مرا خوب تیز کن .

آهنگر شیر را گرفت و شاخ هایش را خوب تیز کرد .

پس آنتر گرگ یک کوزه از خاک پر کرد و برای آهنگر برد

گفت : این شیر را بگیر و دندان هایم را تیز کن .

آهنگر دید که گرگ کوزه را از خاک پر کرده است و شیر

در آن نیست ، قهر شد ، همه دندانهای گرگ را کشید و در جای

دندان هایش پخته ماند .

روز دیگر بزک چینی و گرگ به میدان جنگ رفتند

گرگ صدا کرد " اول تو شروع کن " بزک چینی گفت " نی

تو اول شروع مکن " .

گرگ پس رفت و پیش آمد و بطرف بزک چینی خیزد
بسیار کوشش کرد که او را بخورد، مگر تکه های پخته از جای
دندانهایش افتاد و چیزی از دستش نیامد.

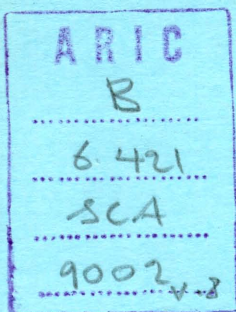
پس از آن بزک چینی به طرف گرگ دوید و با شاخهای
تیز خود به شکم گرگ زد. شکم گرگ پاره شد و گرگ بر زمین افتاد.
انگ و بنگ از شکم پاره شده گرگ بیرون آمدند. بزک
چینی و چوپه هایش با خوشی بخانه رفتند.

اسد و رازق از شنیدن این قصه بسیار خوش شدند.
فردا که آفتاب شد و هوا خوب بود، هر سه شان یک آدمک
برفی قشنگ ساختند و آن روز را به خوشی تیر کردند.

دُعا

یا الهی به حرمت محمد مصطفی سدر انبیا
و نور الهدی اما اطفال مسلمان و افغان را با نور
علم و معرفت منور گردان تا در پرتو آن در محیط
خانواده ، همسایه و همه مردم خود با روحیه اتفاق
دوستی و برادری حیات مشرور و پر بار و برکت را
به پیش بریم . وطن عزیز خود را آباد کرده انواع اسباب
راحت و فلاح بموطنان خویش را فراهم سازیم .

آمین یا رب العالمین .



ناشر:



دؤسه تحويل كننده: سويډن

و بازار مشترك اروپا (EC)

سال چاپ: ۱۳۷۸ هـ.ش

تعداد: ۶۸۰۶

طبع: Rehmat Printing Press

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library